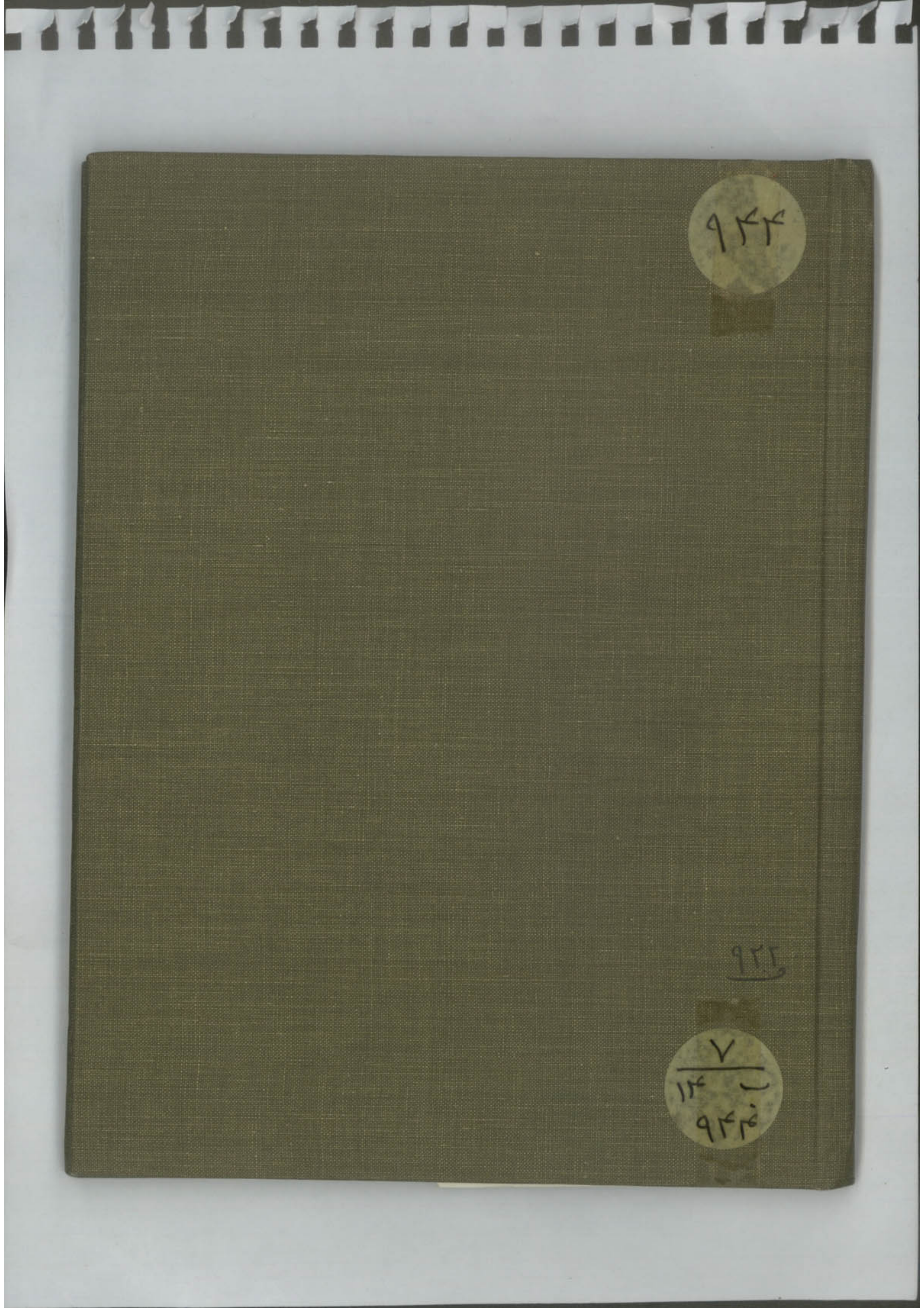

۹۴۴
۹۲۱
۷
ب ۱۴
۹۴۰

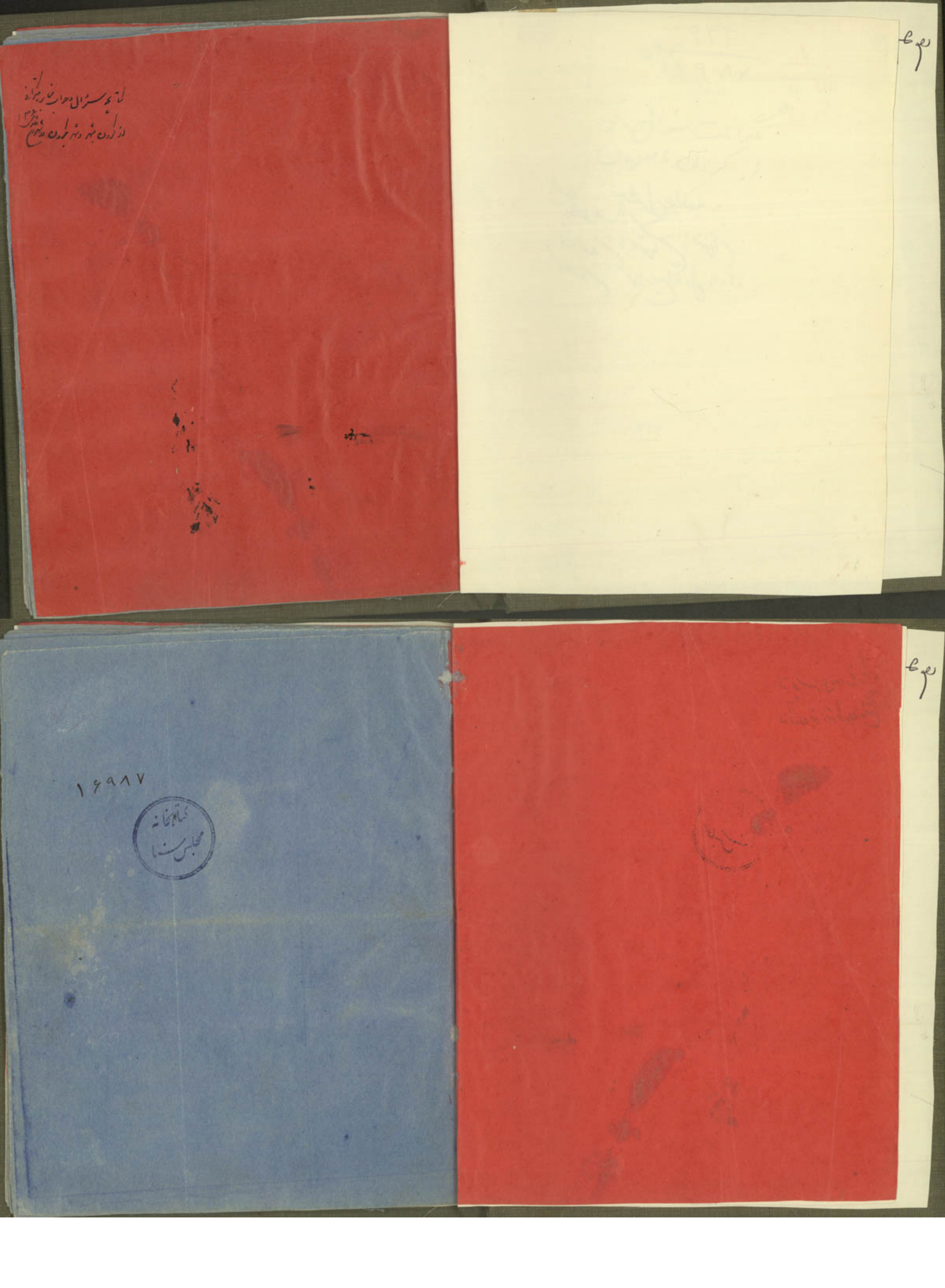
۹۴۳

تلگرافهای سؤال و جواب
از کرمان باصفهان و از اصفهان
بکرمان
۱۷ ربیع الاول ۱۴۰۹

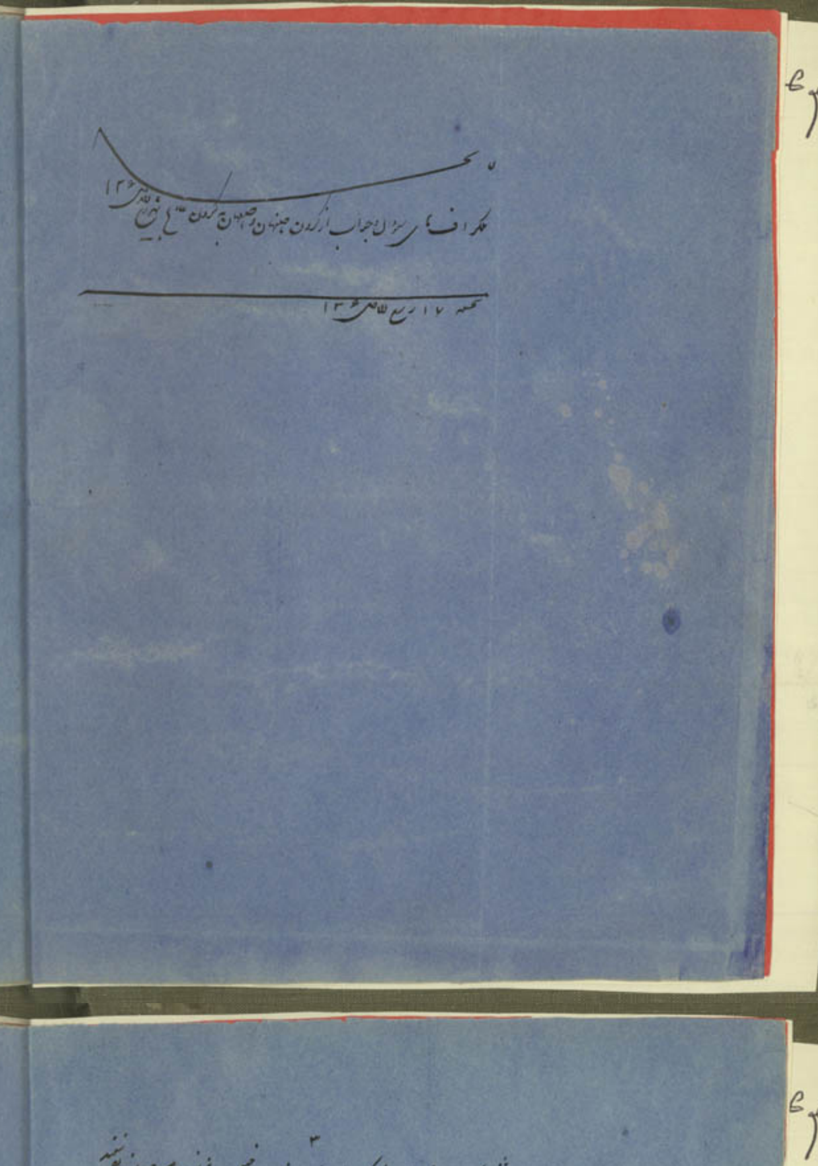
۹۴۳

تلگرافات سؤال و جواب
از کرمان باصفهان
و بالعکس

۹۴۳
۷
ب ۱۴۳
۹۴۴
تلگرافهای سؤال و جواب
از کرمان باصفهان و از اصفهان
بکرمان
۱۷ ربیع الاول ۱۴۰۹
۹۴۳
۹۴۳
۱۶۹۸۷
تلگرافات سؤال و جواب
از کرمان باصفهان
و بالعکس
۹۲۲



۱۶۹۸۷
کتابخانه مجلس شورا


نمره
تلگرافهای سؤال و جواب از کرمان [illegible] تاریخ [illegible] ۱۲۶
جمعه ۱۷ ربیع الثانی ۱۳

سؤال قبله عالم

خدمت جناب اقبال شان ملک دام مجده ۲ از تلگرافات جنابعالی خیلی ممنون شدم و دیگر
با خبر از سلامتی وجود مبارک شدم بسیار شاکر و مشعوف شدم برای تبریک این عید
سعید اظهار خلوص را تجدید می نمایم حالا تشریف خیلی خالی است خون جگر گرفته
شده تبریکات [illegible] موجود است بنده هم در دفتر حاضرم
ولیکن برای جنابعالی امروز خیلی سعید است که بشرف خاکپای حضور مبارک نایل شوم
و در [illegible] خیلی غبن خاصی است که از این سعادت محروم هستم تا عمر دارم
حضور مبارک [illegible] تشریف [illegible]
از جانب بنده پای مبارک را ببوسید چون عید است و کار داریم
معروف [illegible] منزل مردم [illegible] که تفصیلی [illegible] ولی [illegible]
[illegible] تفصیل صحیح [illegible] عمر دو معروف [illegible] حاضر بود
[illegible] غیر تفصیلی [illegible]
[illegible] عقب [illegible] جواب
[illegible] خودشان مطالبه جواب [illegible] خودشان [illegible]

۳
چیزی نرسیده با خبر اینجا که مانده‌اند [illegible] ادای [illegible]
[illegible] همیشه [illegible] مضطرب باشد و همیشه کارهایش عقب بماند حبیب [illegible]

جواب

حضور مبارک [illegible] ملک [illegible]
[illegible] شدم حالا هم [illegible] تلگراف [illegible]
کار [illegible] ولی [illegible]
راضی نمی‌شوم [illegible] حال مبارک [illegible]
همه [illegible] موجود است [illegible] تلگراف [illegible]
خواهم کرد [illegible]

خدمت جناب جلالتمآب [illegible] ملک [illegible] انشاء الله عید سعید
[illegible] مبارک باد [illegible] جنابعالی [illegible]
[illegible]

۳
[illegible] تبریک مبارک [illegible] تشریف [illegible]
رسیدن [illegible] کرده [illegible] جنابعالی اطلاع ندادیم [illegible]
[illegible] تلگراف جنابعالی [illegible] چیزی نرسیده [illegible]
[illegible] حالا [illegible] که روز بروز [illegible]
و اطاعت [illegible] بنده [illegible]
جناب عالی اطلاع [illegible] نرسیده [illegible]
[illegible] خواهد بود [illegible]

حاجی مهدی نایب بهمان آن که حال خدمت وزیر مختار رفته بود آدم دیگر
سوار چاپاری با رسیده اند سه آدم که بعضی بوده اند [illegible] رسیده یک فرسخ
وقتها [illegible] شاد شده و این طور میگفتند شب سه شنبه به پیش‌خانه روانه شده است
صبح مقام حیرت که رسیده اند با آدم حاجی محمد حسین فرمایش کار را گفتم و نجف
اقدامات کار بیش از [illegible] نهایت [illegible] که تمامی [illegible] از میان رفته است
[illegible] سعی [illegible] اصلاح کنند [illegible] حروف [illegible]
کار هم [illegible] فرمایید

الان که چهار ساعت به غروب مانده است پیش‌خانه و سوار [illegible] رسیده
[illegible] باشید [illegible] حاجی [illegible] [illegible] هرچه [illegible]

ارکو ۵

ازگروش [illegible] روزه [illegible] حاجی محمد صادق [illegible] رسید [illegible] یک دفعه [illegible]
در حرف [illegible] حاضرم حکیم

از آنجا [illegible] وقت [illegible] باشد و در [illegible] شود که
فرمایش [illegible] هم [illegible] باشند [illegible] اطلاع دهید
[illegible] حاجی محمد [illegible] است [illegible] بعد [illegible]
این روز [illegible] است [illegible] دارد

قربان خاک پای مبارک گردم [illegible] آستان [illegible] مبارک
[illegible] خاکپای مبارک [illegible]
[illegible]
[illegible] مبارک را [illegible]
[illegible] را [illegible] روانه [illegible]
[illegible]
[illegible] مبارک [illegible] ابوالعباس
[illegible]
که در [illegible] رفته [illegible] صبح [illegible]
[illegible] مبارک [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] شاه [illegible]

۱۱۰۱

[illegible] مبارک را [illegible] است [illegible]

[illegible] الان که [illegible] غروب
[illegible] مبارک [illegible]
[illegible] احوال [illegible]
از صبح آفتاب الی غروب [illegible] حاضر [illegible]
کمال اهمیت [illegible] وقت [illegible]
[illegible] التزام [illegible] رسیده باشد [illegible]
[illegible] کرده [illegible]
[illegible] کرده [illegible] حاجی [illegible]
[illegible] روز [illegible] اطلاع [illegible] حکیم

عرض خاکپای مبارک میرساند   این غلام تا حال [illegible] عرض [illegible]

انشاءالله [illegible] الطاف خاکپای مبارک که در هر حال از غلامان مرحمت فرموده

سبب [illegible] مواجب سرباز [illegible] کرده در دو روز [illegible] مبارک [illegible]

تمام دو هزار و پانصد تومان [illegible] منصب [illegible] داده [illegible] که [illegible]

[illegible] حکم فرموده [illegible] که [illegible]

که [illegible] بوده‌ام [illegible] مواجب [illegible] داده شود [illegible] خاطر مبارک

[illegible] فروگذاشت در خدمت [illegible]

[illegible] اگر [illegible] که خاطر مبارک [illegible]

انشاءالله [illegible] شده‌گان [illegible] عقاب [illegible] در هر کار [illegible]

[illegible]

اجازه [illegible] مرحمت [illegible] شد

[illegible]

جواب [illegible] امکان [illegible] مواجب سرباز [illegible]

[illegible]   [illegible]

جناب [illegible]   [illegible] نظام [illegible]

کردم [illegible] اگر [illegible] که در باب [illegible] صحیح باشد [illegible]

دادم [illegible] که [illegible] اگر [illegible] خود [illegible] کردم [illegible]

[illegible] انبار [illegible] تمام [illegible]

آقا محمد [illegible] تمام [illegible] که [illegible] صحیح باشد [illegible]

[illegible]

[illegible] مبارک کردم   [illegible] عرایض [illegible]

[illegible] که از [illegible]

[illegible] که [illegible] باشد [illegible]

[illegible] مصالح [illegible] باشد [illegible]

[illegible] حواله [illegible] مبارک تمام [illegible]

[illegible] این [illegible] را به [illegible] است [illegible]

تمام [illegible] مبارک   [illegible] مبارک [illegible]   قرض [illegible]

دیگر [illegible] است [illegible] برای [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دارم [illegible] تا [illegible]

[illegible] سلام [illegible]

[illegible] آقا محمد [illegible] دادم که [illegible]

[illegible] کرده است [illegible]

[illegible] دو ماه [illegible] کرده باشند [illegible] حکیم

[illegible] حواله [illegible] محمد [illegible] داده شد

دیگر [illegible] تمام [illegible] داده شد [illegible] بازار [illegible]

[illegible]

بنده که این جانب عالی سامی ملک مرحمت [illegible] نوشته بودند جوابی را امروز عرض کردم

حالا خاطر مبارک که به [illegible] تا فردا عصر برسید [illegible] را امروز [illegible]

که [illegible] جواب [illegible] فرمایش [illegible] سرکار [illegible]

[illegible] شرح حال [illegible] ملک [illegible] رسید [illegible]

و حال که چه خواهد شد [illegible] سرکار امروز رسید [illegible] فردا [illegible] راست

[illegible]

[illegible] جناب جلالت مآب عالی سامی ملک [illegible] عرض [illegible]

و وجود مبارک را حالا [illegible] بنده [illegible] از [illegible] زنده [illegible]

برای [illegible] خدمت [illegible] و رضای [illegible] بنده [illegible]

[illegible] باید تا چه درجه حاضر [illegible] باشم [illegible] توجه مخصوص [illegible]

[illegible]

بفرمایند [illegible] [illegible] باشد [illegible] حاضر است [illegible]

[illegible] مخصوص [illegible] سرکار [illegible] که [illegible] شاه و [illegible]

[illegible] هم جناب جلالت مآب عالی سامی ملک دام اقباله هم

[illegible] از [illegible] باید در این سفر [illegible]

که اسباب [illegible] می‌شود [illegible] خود [illegible] باشید [illegible]

[illegible] ابراهیم [illegible] عرض [illegible] اعلی [illegible]

و [illegible] بنده سلام برسانید [illegible] قربانگاه [illegible]

خبر به [illegible] هست [illegible] دست [illegible]

نصف [illegible] حضرت [illegible] در [illegible] همه [illegible] کاشانه

خبر [illegible] حاضر [illegible] امروز [illegible] ولی [illegible] از [illegible]

هم [illegible] و [illegible] تشریف [illegible] عرض [illegible]

جناب [illegible] اگر [illegible] ملک [illegible] بنده را

شفقت [illegible] خواهد شد بنده [illegible] ابراهیم [illegible]

۱۶

[illegible]

جناب [illegible] عرض کرده [illegible] یک [illegible]

[illegible] شعر [illegible] که [illegible] داده و [illegible] بشنود اسباب

عبرت [illegible] باشد [illegible]

[illegible] سر [illegible] دهیم [illegible] اگر [illegible] دهیم [illegible]

[illegible] که [illegible] دهیم [illegible]

[illegible] خورشید [illegible] سخن [illegible] دهیم [illegible] که [illegible]

[illegible] ساقی [illegible] که [illegible] دهیم [illegible]

[illegible] صبح [illegible] نماز شام [illegible] زیر [illegible]

از ملاحظهٔ تلگراف و مطالبش چه عرض نمایم این جا چند نفر تلگرافچی که گرفته‌اند [illegible]

هست محرمانه را هم این جا بگذارند تا مطلب رسانده را چنانچه هست بگوشه

بگیرند و ما سر رشتهٔ مطالب که دارند بسر ما و حالی که گوشه [illegible] محرمانه [illegible] تلگراف نما

خدمت کنند این دفعه محرمانه که [illegible] بگیرد و [illegible] دولت هم

مرحمت و در دو گفته [illegible] علی اصغر

قربان خاکپای مبارک گردم الان که دو ساعت از طلوع آفتاب روز جمعه [illegible] است

در منزل [illegible] اشتغال دارم و گرفتار جناب [illegible] هستم که شکایت دارد

[illegible] ایشان [illegible] خجالت کشیده است [illegible] میخواهند [illegible] از این

[illegible] هفته دیگر [illegible] میشوند [illegible] که

[illegible]

۱۸

[illegible] تلگراف مبارک ملاحظه شد [illegible] قرار [illegible]

[illegible] است [illegible] هزار [illegible] مبارک [illegible]

در خصوص [illegible] که [illegible] مبارک [illegible] است و [illegible]

[illegible] که اسباب [illegible] دنیا و آخرت است و این

[illegible] مبارک [illegible]

[illegible] حالا [illegible] مبارک [illegible]

[illegible] عقیده [illegible] مخصوص [illegible]

[illegible] تلگراف [illegible]

در خصوص [illegible] تلگراف مبارک [illegible]

[illegible] علی اصغر

۱۹

جناب [illegible] السلام [illegible]

[illegible] تلگراف را [illegible]

[illegible] عالی [illegible]

[illegible] علی اصغر

[illegible] حضرت اقدس اشرف والا [illegible] تلگراف

[illegible] که [illegible]

در [illegible]

[illegible] مبارک [illegible] محفوظ

۲۰

[illegible] حضرت اشرف والا مبارک [illegible] است و [illegible]

[illegible] مبارک [illegible]

مبارک است [illegible]

جناب [illegible] والا مقام [illegible] امروز [illegible] سعادت

با صحت مزاج [illegible] و [illegible]

[illegible] اطلاع [illegible] علی اصغر السلطان

[illegible] مبارک [illegible] حضرت اقدس [illegible] والا [illegible]

[21]

تلگراف رجب اینجا مبارک را زیارت و تاج مبارک احمد را مرحمت فرمودند مبارک

حضرت اقدس اسعد والا روحنا فداه را از این عنوان کم لطف و جان چاکر این

خانه‌زادان را تصدق خاکپای جواهر آسای مبارک کرده‌ام آستان قربان

از باب رجب رکه دستخط مطاعی ... ما که سوای دارد قبله نوشته‌ام

کلمات دماغ چاق ... داریم ارسال خود تا اطلاع به ... ۵

عرض انسان مبارک حضرت اقدس ارواحنا فداه ... تلگراف مبارک

سرافراز کشتیم رجب ... زیارت ... در تصدق ... مبارک ... سیاه و وجود مبارک

... دستخط

عرض ... الله ... دستخط ... سه ساعت ... روز آفتاب ... دارد قبله ...

... و ... ایشان ... احوال ... حضرت ... اطلاع ... که

... خط ۵

تصدق مبارک که چاکران حضرت مستطاب اشرف اقدس ارواحنا العالم والا روحنا فداه

در این حال مبارک کرده دستخط مبارک که تلگرافی که ... صاحب ... تصدیق

... که ... کرده‌ام ... مبارک ... که ... نسیم ... مانند ...

... تصدق مبارک و ... این خانه‌زادان تصدق ... مبارک ...

الحمدلله ... تصدق ... مبارک که چاکران حضرت ... ارواحنا فداه حیات

[23]

حضرت ... اسعد ... تلگراف ... مبارک ... مبارک ... تمام ... کمال

... کرده‌ام ... در ... عرض کرده‌ام ... ثابت

... بقیه ... کرده‌ام ... فرنگستان ... را

... ولی علاوه ... حضرت ... در ... صحت

... صاحب ... حضرت ... که ... جواب ... بنده

عرض ... ده ... حاضر

[22]

عارت ... اقدس ... وجود مبارک معروف ... قیام و ... دوام

... بدین ... سده ... کردن انسان مبارک ... تا ...

... دستخط ... عصر ... ۱۳۰۳

حضرت ... فرنگستان ... که ... ای

... رجب ... مبارک ... است ... را

برسانند این ... جزو ... صورت ... جواب ... وقت ... حال

... فرنگستان ... شده ... کسب

... جواب ... جواب ... باقیه را

البته ... فرنگستان ... دادیم

...

شنبه ۱۹ ربیع الثانی

در خصوص [illegible] ... که در [illegible] اهتمام و [illegible]
[illegible] که [illegible] تشریف فرما
[illegible] تصدق [illegible]

عرض [illegible] والا [illegible] دام [illegible]
[illegible]
[illegible] عرض [illegible] باشد حکم

[illegible]

عرض [illegible] دام [illegible] سلام [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] دام [illegible]
[illegible] تکلیف چیست در باب [illegible]
[illegible]
[illegible] اطلاع [illegible]
اگر [illegible] تشریف فرمائی [illegible]

عرض [illegible] ابراهیم [illegible]
[illegible] تکلیف چیست [illegible]

شنبه ۲۰ ربیع الثانی

عرض [illegible] دام [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] مبارک [illegible] که این [illegible]
مبارک [illegible]
[illegible] عرض شد حکم

عرض [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] کار [illegible] عرض [illegible]
[illegible]
[illegible] اطلاع [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] مبارک [illegible]
[illegible] مبارک [illegible]

۲۹

جهتش این [illegible] شوال [illegible] ارباب [illegible]

[illegible] مسعود [illegible] مبارک [illegible]

[illegible] حاجی [illegible] تلگراف که [illegible] کرده [illegible]

[illegible] حرکت کرد

[illegible] سردار [illegible] محمد [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] است و صورت [illegible]

[illegible] رابطه [illegible]

[illegible]

۳۰

[illegible] سردار [illegible] محمد [illegible] بانک انگلیس [illegible]

[illegible] حکم

[illegible] تلگراف را [illegible]

[illegible]

امروز هم [illegible] کردم [illegible]

[illegible] این تلگراف [illegible] اطلاع [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] مبارک [illegible]

۳۱

[illegible]

[illegible] سردار [illegible]

سردار محمد خان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] که [illegible]

ما را که [illegible] قربان [illegible]

[illegible]

[illegible] مبارک [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مبارک [illegible]

۳۲

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حرکت [illegible]

[illegible] تلگراف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خاصه که هنوز [illegible] نشناخت [illegible] در کار ترتیب این [illegible] نشناخت [illegible]
[illegible] رسید [illegible] [illegible] باقی [illegible] امروز [illegible] حبیب الله

تصدق خاکپای مبارک شوم [illegible] خداوند [illegible] است که وجود مبارک
سلامت باشد [illegible] خداوند [illegible] این [illegible] وجود [illegible] مبارک [illegible]
در این چند روز از وصال مبارک [illegible] کرده [illegible] خوب [illegible]
[illegible] مبارک شده [illegible] که چند [illegible] [illegible] هم [illegible]
[illegible] خانه حاضر [illegible] جناب [illegible] هم [illegible]
[illegible] سخت شده [illegible] که [illegible] [illegible] این [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] جان [illegible] عرض ارادت دارم

[illegible]

[illegible] وجود مبارک [illegible] [illegible] باشد [illegible] سلامت [illegible]
[illegible] که [illegible] عرض کرده بودند [illegible]
[illegible] شد اگر [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] که [illegible] ملکه [illegible]

دوشنبه ۲۱ [illegible] ثانی

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] در فقره [illegible] [illegible] ۵ [illegible]
[illegible] دادم که [illegible] کرده [illegible] [illegible]
مبارک [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] عرض ارادت [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
امروز [illegible] وجود مسعود [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] امروز [illegible] [illegible]
[illegible]

[illegible] [illegible] مبارک [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] در [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] عرض [illegible] که [illegible] مبارک [illegible]
[illegible] مبارک [illegible] [illegible] مبارک [illegible]
[illegible] [illegible] این چند روز
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] عرض [illegible]

صورت سوال ولیعهد دام عمره   تلگراف شما رسید انشاءالله در جمیع احوال که مخزن

سلطنت اشرف والا دامت ایالته از وجود مبارک همیشه سلامت باشید بیماری که

حادث شده بود که به سبب آن نقاهت شدید حاصل بود الحال بحمدالله سلامتم

تلگراف وصول رسید نوشته بودید در باب ... اسباب حرکت صبح پنجشنبه

بوده‌ام ... که عرض کرده بودم که ... هم ... دور

مبارک ... حاضر باشم ... نمی‌توانم ... در قشنه

دوشنبه نوشتم بازهم ... ... مستقیم است ... دور

... ... در هر صورت ... مبارک

... تلگراف ... ... ایام ...

دیدم ... ...

جهت

حضور حضرت ... ... از تلگراف ... مزاج ... ... شد

... ... حبیب ...

دو ... که تلگراف ... ... که ... شد

امروز ... عصری ... در منزل ... در مجلس روضه دعاگو هستم ...

الحمدلله ... ... است که ... ... از اصفهان ... ...

حال ... ... که ... ... که ... ...

... ... دیگر هیچ خبری ... ... عجب دارم

که این ... ... تلگراف ... روزه ... ...

... ... چند روزه ... ... تلگراف ... ظل السلطان

... ... تلگراف مبارک ... ...

... ... تلگراف

... ...

... ...

... ...

... ...

... ...

... ...

... ...

... ... مبارک

...

... ... مبارک ...

... ... مبارک ...

... ... مبارک ...

... ... تلگراف ... ...

... ...

اصفهان ... ...

... ... دوشنبه

... ... ظل السلطان

صورت ... ... انشاءالله احوال

شریف حضرت ذات اقدس [illegible] بهیچ احوال [illegible] رسید والده اش

حرف [illegible] نزنید سرکار حضرت والا عصمتی [illegible] میرزا محمد علی خان در

که [illegible] حضرت [illegible] کرده [illegible] دارم [illegible]

که صحیح حضرت باشند [illegible] که اسباب اطمینان [illegible] باشد عرض دارم [illegible]

حضرت [illegible] عرض سلام برسانم [illegible] مبارک [illegible]

تشریف [illegible] روز دوشنبه [illegible] محمد [illegible] حکم [illegible]

امروز سلام حضرت شاه برسانم [illegible]

امروز که [illegible] [illegible] شریف [illegible]

حکم [illegible] میرزا [illegible]

الحمد لله

داده اند که [illegible] شده [illegible] میرزا [illegible] هم اطلاع بدهید که اگر

[illegible] دوشنبه [illegible] مراجعت [illegible] که [illegible] رکاب مبارک

شریف [illegible] میرزا [illegible] محمد [illegible]

حرکت کرده اند [illegible] مراجعت مبارک

[illegible] سالم [illegible] تشریف [illegible]

حضرت [illegible] عرض کنید [illegible]

حضرت [illegible] میرزا [illegible] عرض کنید [illegible]

خواهم کرد [illegible] هم اطلاع بدهید که [illegible]

[illegible] میرزا محمد علی خان [illegible] حکم [illegible]

بنویسند حکیم

حضرت [illegible] [illegible]

[illegible] شریف [illegible]

[illegible]

[illegible] ۲۲ ربیع الثانی

تصدق خاکپای مبارک شوم [illegible] صبح

که [illegible] مبارک [illegible] رسید [illegible]

[illegible] حکم [illegible]

مبارک [illegible] حضرت والا عصمتی [illegible]

[illegible] ماه [illegible] تمام [illegible]

[illegible]

[illegible] حکم [illegible]

[illegible] حضرت والا عصمتی [illegible]

[illegible] دو ماه [illegible]

[illegible]

[illegible] حکم [illegible]

[illegible] مبارک [illegible]

[illegible]

[illegible]

امروز صبح [illegible]

[illegible]

که [illegible]

حکم [illegible] مبارک [illegible]

در وقت تسعیر جواب رعایت نشان این نسخه کبری حالیه دیگر باعث

بجهت شکر تا روز وصول مصحف شده دست ... سازان عنوان کتاب

مبارک هم امروز ... علم کتاب ارسال شده است

مقصود حکایت کوچک کردم سرکار مرحوم مرحوم سردار مجید شرف به ما بود

رو داده خراسان بود صورت که روانه گردد ولی از نحوی ترک خراسان

عرض سرکار به هر که سفر بود او را جواب بعد از اتمام مبارک کتاب عوض دیگر

هر گاه محض رجب انتظار حساب و اجرا بری از حال ملک اعتبار شد در رجب

سرکار ... واله را امضا خود بر سر علم جان ... الله

حضرت سرکار ... سردار جان عرض ارادت مخصوص هستم در عرض باشد حاجی ... نیسان

...

رجب و سرکار ده سال ... که ... تمام شده دست ... حضور ... کمک ... سرداران ملک

روم ... کرده و حال مخلص است ... پناه ... ایام ارباب و ... حالات ... هر چه

لازم ... جواب است ... مخلص این که خود ... ... گفتم ... یادآوری کردم که لطف ... خود

تمام فرمایش آن ... صحیح ... تمام ... ... العلماء لطف

حاشیه یادی

حضرت سرکار ... سلطان ... سردار ... خان دام ... عرض می‌شود ... سرکار

در ... شده از خراسان ... شرف ... حکم ... پیش

حساب ... ارسال ... در عرض ... رسید هم ... امروز هم

در ... کمک ... کار ... کردم ... که شب ... بیت ... بود

... بود ... حاضر ... الحمد لله ... دست

از او توجه خواهم شد ... باشید حضرت آقای ... عرض ارادت مخصوص هستم

... ایام ... سرکار ... حال

حضرت آقای ... دام ... مخلص ... سرکار ... ملک ... هم ...

... ابراهیم خان سلام ... و ...

حضرت ... ابراهیم ... خان سلام ... و ...

کشید ... که حضرت ... و ... الله

... خان ... و ... شاه ... باشید

حسنی

حضرت جناب ... سال ملک دام اقباله ... کرده

... است ... ارسال ... حضور ... باشد -

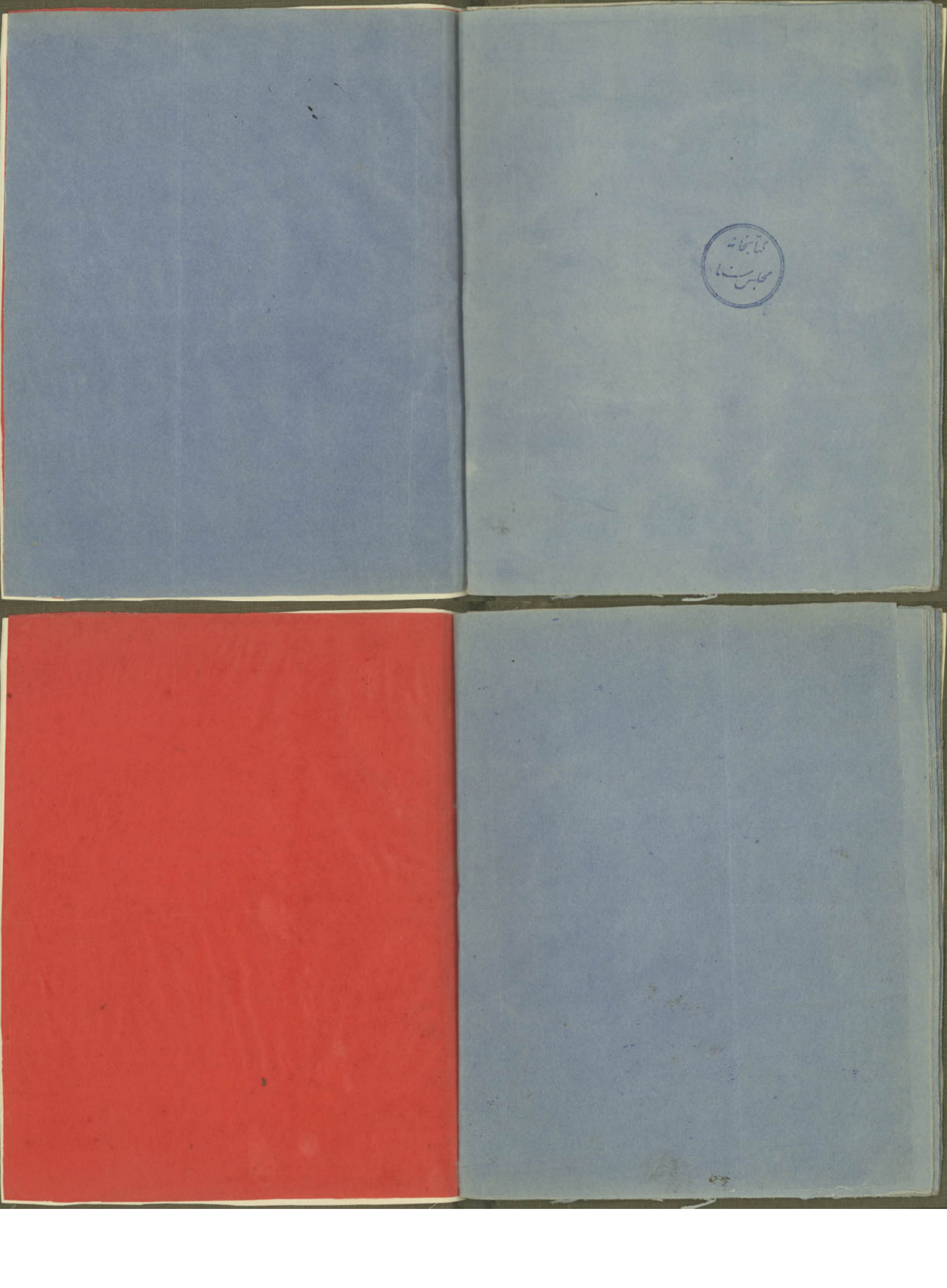
حسنی

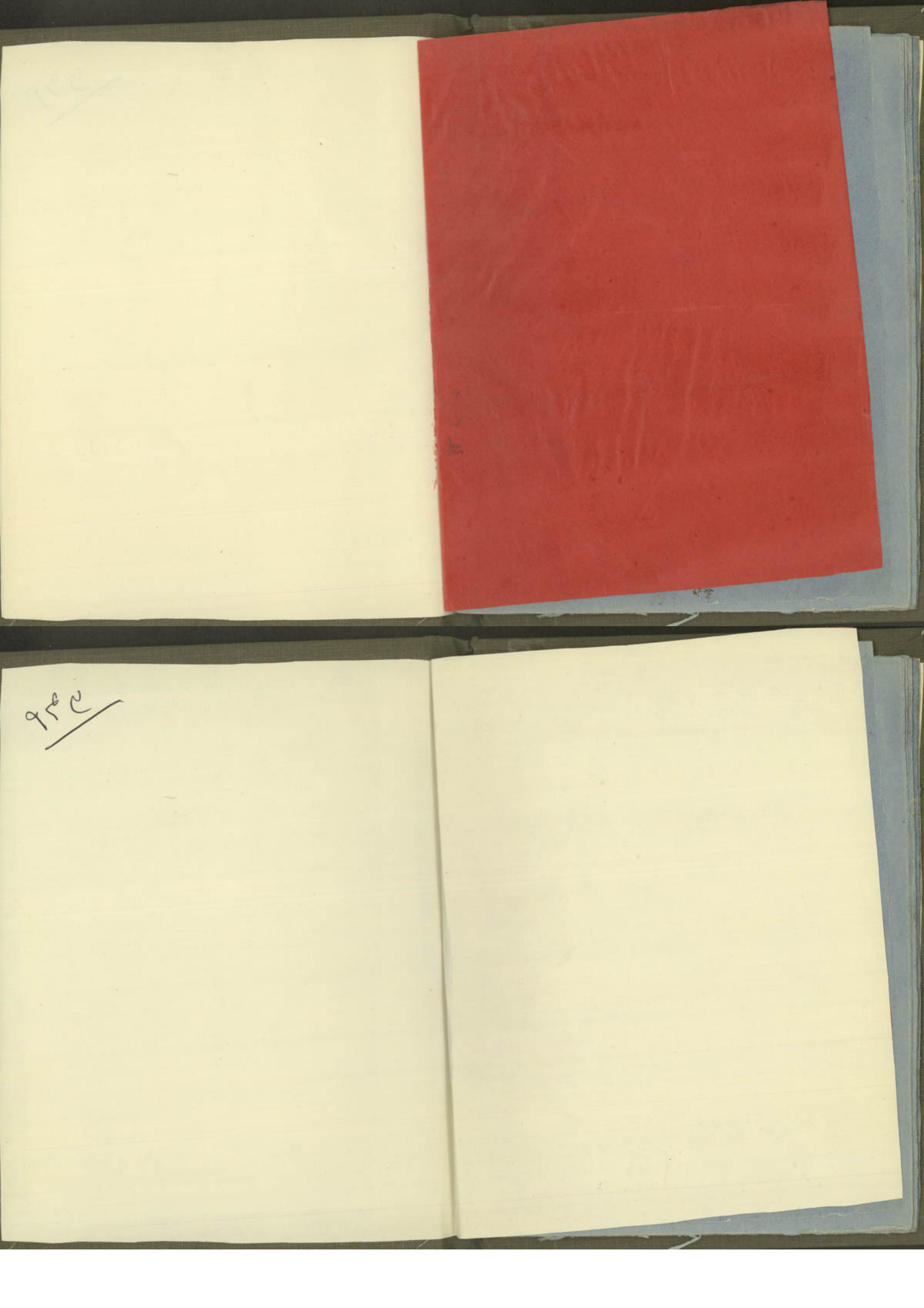
حضرت سرکار ... آقای ... سردار ... جان دام اقباله ...

... و ... که ... مبارک ... حضرت ...

... که ... آباد ... رفتیم

... اطلاع ... بفرستید ...


کتابخانه
مجلس شورا




۹۲۲